مدیریت شهری
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018
۱۵۱-۱۷۰
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۲۸

مولفه ها و شاخصهای شکلگیری مکان به عرصه‌های شهری از منظر نظریه انتقادی

حامد کاوش‌نیا- پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
علیرضا بندرآباد* - استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
آتوسا مدیری- استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده
امروزه طرح و تعمیم نظریه‌های انتقادی به شهر و منجمله «عرصه های عمومی شهری» در ادامه تلاشهای انسان معاصر برای دست‌یابی به شرایط زیستی مطلوب به عنوان یکی از مهم‌ترین آرمانهای جنبش‌های اجتماعی و همچنین حاصل «غنای تجربه‌های تاریخی و ثمره نظری انباشتگی معرفتها» است. حوزه عمومی در واقع ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریات کلی هابرماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفتگو جای دارد. حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسایل مهم مربوط به خیر عمومی (مصالح عامه) بپردازند. نتیجه این امر شکل‌گیری افکار عمومی است. فیلسوفان دموکراتیک نیز بر این باورند که این فضاها تجلی کالبدی حوزه عمومی، عرصه فعالیت، ارتباط و گفتگوی انسانهای آزاد و گروه های مختلف و همچنین محل شکلگیری حیات مدنی است. بر این اساس در این مقاله به بررسی مولفه ها و شاخصهای شکلگیری مکان به عرصه‌های شهری از منظر نظریه انتقادی پرداخته شده و در انتها نتایج تحقیق به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: عرصه عمومی، نظریه انتقادی، تحلیل عاملی.

Dialectical arenas (components and indicators of place formation in urban areas from the perspective of critical theory)

Abstract
The public sphere is in fact a normative concept or concept in the general context of Habermas›s general theories of communicative action and the ethics of dialogue. The public sphere is part of a social life in which citizens can exchange views on important issues related to public good (public interest). The result is the formation of public opinion. Democratic philosophers also believe that these spaces are the physical manifestation of the public domain, the field of activity, the communication of free people and groups, and the place of the formation of civil life.

Keywords: Place, public sphere, critical theory, factor analysis.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهرسازی نویسنده اول با عنوان «از مکان تا عرصه های شهری (تبیین مولفه های ارتقاء مکان به عرصه های عمومی از منظر نظریه انتقادی)» با راهنمایی دکتر علیرضا بندر آباد و مشاوره دکتر آتوسا مدیری استخراج شده است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در حال انجام است.

نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۴۳۱۱۵۰، رایانامه: bandarabad@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

بحث «فضا و معنای فضا» از دیرباز تاکنون مورد نقد و بررسی قرار گرفته و به‌طور عمده در دو حوزه «معماری و فلسفه» به آن توجه شده است. «فردریش نیچه» متفکر پایانی عقل مدرن و ابتدای قرن بیستم پیش‌بینی کرده بود که تحولات آینده جهان به سمتی می رود که تغییرات اساسی را شکل‌دهی می‌کند تا ما با مفاهیم جدید و «پساانسانی» روبه‌رو گردیم (فوکویاما، ۱۳۸۳، ص ۳٦). واژه public sphere را حوزه عمومی، عرصه عمومی، سیطره عمومی، قلمرو عمومی، قلمرو فضای عمومی و فضای عمومی ترجمه کرده اند. لغت عمومی که از واژه لاتینpopulous به معنی «مردم» گرفته شده، معنای گسترده‌ای دارد. واژه‌های معادلی که در فرهنگ آکسفورد به عنوان صفت برای این واژه آمده، عبارتند از: «متعلق به مردم بودن؛ تعلق داشتن یا تمایل داشتن به یک جمعیت یا ملت یا در نظر گرفتن منافع آنها؛ کاری یا چیزی که برای یا توسط اعضای یک اجتماع منسجم محلی انجام شده یا ساخته شده؛ مجوز نمایندگی داشتن از طرف یک اجتماع منسجم محلی؛ آماده یا در دسترس یا قابل استفاده بودن یا سهیم شدن تمام اعضای آن اجتماع؛ در انحصار استفاده خصوصی نبودن؛ در معرض دید و مشاهده یا اطلاع عموم قرار داشتن؛ پاسخگو بودن به عموم؛» ... در حالت اسم، معانی این واژه عبارتند از: علنی؛ مکان یا حالتی باز که در دید یا دسترس همگان باشد؛ گشوده؛ جامعه ساماندهی شده؛ پلیتیک شفاف؛ ملت، کشور و غیره (مدنی پور، ۱۳۸۹، صص ۱۳۲و۱۳۳).

روش پژوهش

با توجه به ماهیت تحقیق و لزوم درنظرگیری معیارهای شکلگیری عرصه های عمومی این پژوهش مبتنی بر دو نوع روش کیفی و کمی می گردد که روش های تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. روش توصیفی- تحلیلی؛ در مرحله جمع اوری ادبیات و مبانی نظری تحقیق درباره تعاریف، مفاهیم و احراز مفهوم مکان و عرصه های عمومی شهری؛
۲. روش فراتحلیل؛ در راستای جمعبندی و تحلیل کلیه تحقیقات صورت گرفته درباره مفهوم مکان شهری و پدیداری عرصه های عمومی شهری؛
۳. روش اسنادی؛ در راستای جمعبندی نهایی ادبیات و مبانی نظری تحقیق؛
٤. روش دلفی و کارشناسی؛ در راستای تدوین سوالات و گویه های پرسشنامه تحقیق رساله؛
۵. روش پیمایشی؛ در راستای تجمیع و گرداوری پرسشنامه در سطح جامعه آماری و نمونه موردی و تحلیل و جمعبندی نهایی پرسشنامه های دیدگاه شهروندی به مفهوم عوامل زمینه ساز عرصه های شهری و پارامترها و عواملی از نظر آنها باید در فضاها و مکان های شهری امکان بروز یابد.
٦. روش تحلیل محتوا و تحلیل عاملی

مواضع بنیادی پارادایم‌های عمده معاصر

با درک عمیقتر از کیفیت‌های محیط ما را هر چه بیشتر به این مفهوم رهنمون می‌سازد که می توان با دیدگاههای ضد پوزیتیویسم موضوع را مورد بازشناسی قرار داد (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۲۱)به عبارت ساده تر پدیده‌های اجتماعی را نمی توان تنها به شیوه اثباتی و حتی روش‌های پسا اثباتی مورد بازشناسی قرار داد بلکه خوانش مکان و فضای شهر از دیدگاه‌هایی که در فضای پست مدرن به جهت ذات دیالکتیکی بودن مبحث می بایستی رد هر ابر روایت را حتی برای خود پست‌مدرن نیز رد کرد. خوانش فمنیسم و نظریه انتقادی از جمله تحرکاتی هستند که اگرچه جهت پیکان را به نقد از فضای مدرن در فضای شهر نشانه می‌رود اما در برخی از ویژگی ها نیز با رویکرد پست‌مدرن از شهر نیز سازگار نیست (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ٤۲) از مهمترین تحولات دوره ما مسائلی مثل انقلاب اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن و شهرهای چند فرهنگی است و مجموعه همه اینها یعنی دگرگون شدن ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تحول بنیادین معنای مکان و جستجوی پایگاههایی متفاوت از قبل (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۳٦.) جهت‌گیری که در شهرهای امروز در حال رخ دادن است حرکت به سمت انواع جدید واقعیت‌های شهری است. در واقع علائم بسیاری وجود دارد که

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بـه مـا می‌گوید دانـش و فرهنگ و خلاقیـت به کلمات کلیـدی در مفاهیم شـهری جدید تبدیل شـده اند. آنچه بـه ذهـن متبـادر می‌شـود ایـن دگرگونی‌هـا چگونـه سـاختار شهرها و اجتماعات ما را تغییر می‌دهند و آینده شـهر چه خواهد شـد و ایـن دگرگونی‌ها چـه تغییراتی را در فضاهـای شـهری بوجود می‌آورنـد. از نظر مکتب فرانکفـورت، پیدایـش و رواج یافتن رسـانه‌های جمعی و «صنعـت فرهنـگ» و رخنـه بـی وقفه آنهـا در زندگی در طول قرن بیسـتم، نشـانگر چرخش از سـرمایه داری لیبرالـی خـود تنظیـم شـونده قـرن نوزدهم به «سـرمایه داری سـازمان یافتـه و سـراپا برنامـه ریـزی شـده» قرن بیسـتم اسـت. ایـن ویژگـی با گسـترش هر چه بیشـتر پدیـده جهانـی شـدن موجب تغییر سـاختار شـهرها و همگرایـی هـر چه بیشـتر به نفـع رد تمایـزات فرهنگی و شـکلی و یـا بـه عبـارت سـاده‌تر همشـکلی در قـرن بیسـت و یکم خواهد شـد.

عنوان	اثبات گرایی (پارادایم محیط سنج) منطق تبیین (ساختاری، نظری و علی)	پسا اثبات گرایی	نظریه انتقادی
کلیات	**ریشـه فلسـفی در آرا بیکـن، دکارت، هیـوم؛ ریشـه جامعـه شناسـی بـر رهیافـت تجربـه گرایـی سـن سـیمون، اگوسـت کنـت، دورکیـم و دیگـران دارد؛ مبتنـی بـر روش تجربـی- مشـاهده ای؛ واقعیت‌هـای غیـر قابـل تغییـر در محیـط؛ مبتنـی بـر اصالـت محیـط؛ تبییـن داده هـا بیشـتر مبتنـی بـر فـرض خطـی بـودن داده هـا صـورت مـی گیـرد و در واقـع بیشـتر بـازی بـا اعـداد اسـت.**		**نقد و دگرگونی ساختارهای اجتماعی که محدود کننده انسان است؛ مخالف دانش محافظه کار؛ دانش به مثابه بینش‌ها و اندیشه‌های ساختاری- تاریخی که دگرگون می شود؛ انسان موجودی خلاق اما گمراه شده؛ تحقیق سیاسی از نظر بوردیو؛ هدف تحقیق آشکارسازی رویدادهای ظاهراً عادی و بدیهی**
هستی شناسی	**واقع گرایی بومی- واقعیت واقعی و قابل درک**	**واقع گرایی محتمل -انتقادی**	**واقع گرایی تاریخی- واقعیت مجازی (ارزش‌های اجتماعی سیاسی اقتصادی و جنسیتی در خلال زمان)**
معرفت شناختی	**عینی گرا: یافته‌ها حقیقت دارند**	**یافته ها احتمالاً حقیقت دارند.**	**مبادله ای- ذهن گرا؛ تعاملی؛ تعامل سوژه و ابژه**
روش شناسی	**دستکاریکننده (تایید فرضیه ها عمدتا روش‌های کمی)**	**آزمایشی، دستکاری شده تعدیل شده- چندگرای انتقادی، ابطال فرضیه ها ممکن است روش‌های کیفی را نیز به خدمت بگیرند**	**گفتگویی و جدلی؛ ناآگاهی و درک نامناسب تبدیل به آگاهی «آگاهی بخش»**

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مبانی نظری

یکـی از مسـایل بنیادیـن در شـناخت و درک نقـش محیـط ساخته‌شـده در زندگـی مـردم و نیـز کسـب توانایـی در طراحـی و دگرگونی آن در راسـتای ایجاد تأثیـرات مثبـت، فهـم چیسـتی معنـای محیط اسـت. فضـای اطـراف اصلی‌تریـن معیـار تعریـف محیـط اسـت، قرابـت معنایـی ایـن دو مفهـوم در مباحـث طراحـی شـهری بـه نحوی اسـت کـه محیط شـهری سـاخته شـده را بـا در نظـر گرفتـن شـروطی، فضای شـهری مـی نامنـد. بنابرایـن هـر تعریـف، توصیـف یـا تبییـن ماهیـت کارکـرد محیـط بایـد بـا توجـه بـه چیزی در فضای اطراف ما باشـد. از این رو شـناخت مفاهیـم فضـا شـاید در مرحلـه اول شـناخت محیـط اطـراف و در نهایـت سـاختار فضـای شـهری باشـد. فرهنـگ انگلیسـی آکسـفورد دسـت‌کم ۱۹ معنـی بـرای واژه فضـا مـی‌آورد، کـه از جملـه می تـوان به اینهـا اشـاره کـرد: گسـتره ای پیوسـته که در آن اشـیا وجـود دارنـد و حرکـت مـی کننـد، مقـداری از یک منطقـه کـه چیـز خاصـی آن را اشـغال مـی کنـد یـا بـرای هـدف خاصـی در اختیـار گرفتـه شـده اسـت و فاصلـه میـان نقـاط و اشـیا.[1] ایـن معانـی نشـانگر برخـی از مـوارد درک مشـترک از ایـن واژه‌اند که در زندگـی روزمره بـه‌کار مـی رود. همچنیـن تصویرگر پیچیدگـی ایـن مفهـوم و اشـاره‌گر بـه مباحثـی عمیق و ریشـه دار دربـاره فضاسـت کـه مـدت هاسـت که مطـرح اند. اگر جسـتجو به دنبال رویکـرد فضا را در بطـن علـوم اجتماعی آغـاز کنیم، با عـدم حضور این واژه در اکثـر کتاب‌هـای مرجع جامعه شناسـی مواجه می‌شـویم (هولت، ۱۹۶۹؛ میچـل، ۱۹۷۹؛ آبرکرومبی، وترنـر، ۱۹۸٤؛ بـودون و بوریـکاد، ۱۹۸۹؛ مارشـال، ۱۹۹٤) و ایـن گواهی اسـت بر ایـن مطلب که تاکنون جامعـه شناسـان بـه ندرت علاقـه ای قوی بـه فضا از خـود نشـان داده انـد. اما بـا رجوع به حوزه فلسـفه و سـابقه طولانی مباحـث و موضوعات فلسـفی مربوط بـه مفاهیـم فضـا در مـی یابیـم کـه مباحـث فلسـفی دربـاره فضـا، در سـه قـرن گذشـته تحـت سـیطره دوگانگـی میـان انتخـاب نظریه‌هـای مطلـق در برابـر نظریه‌هـای رابطـه‌ای بـوده اسـت. ایـزاک نیوتـن بـه نظریـه فضایـی مطلق شـکل داد و او فضا (و زمان) را اشـیایی واقعـی می دانسـت، یعنـی مکان هایـی برای خودشـان، آن گونـه کـه بـرای تمـام چیزهـای دیگـر (بـه نقـل از اسـپیک، ۱۹۷۹:۳۰۹). اگر چـه کانتر مدل خـود را در سـال ۱۹۷۷ ارائـه داده اسـت، ولـی قبـل از وی مولفـه هـای مـکان در «اِدراکهـای رلـف» در کتـاب «مـکان و بـی مکانـی» بـه صـورت سـه مولفه «کالبـد، فعالیت و معنی» در ۱۹۷٦ ارائه شـده اسـت. جذابیتهـا و کارایـی ایـن دو مـدل باعث شـده اسـت تـا دیگـر صاحب نظـران طراحی شـهری نیز بـا الهام یـا اقتبـاس از آن روایـت های متنوعـی از مدل مزبور ارائـه نماینـد. «پانتـر» در ۱۹۹۱ و «مونتگمـری» در ۱۹۹۸ اجـزا تفکـر طراحی شـهری را در قالب این دو مـدل بـه صـورت زیـر طبقه بنـدی مـی کننـد. «مدل حـس مـکان رلـف- پانتـر»: مولفه‌های کیفیّت‌سـنجی ایـن مـدل عبارتنـد از: «فعالیـت»: کاربـردی، حرکت پیـاده، رفتـار، الگوهـا، بـو و صـدا، حرکـت وسـایل نقلیـه؛ «کالبـد»: منظـر شـهری، شـکل سـاخته شـده، نفوذپذیـری، منظـر، مبلمـان؛ و «معنـا»: خوانایـی، تعامـل فرهنگـی، عملکردهـای اِدراکـی، جذابیـت، ارزیابـی هـای کیفی.

«مـدل مـکان کانتـر- مونتگمـری»: مولفه‌هـای کیفیّـت سـنجی ایـن مـدل نیـز عبارتنـد از: «فعالیت»: تنـوع سـرزندگی، زندگـی خیابانـی، دیدارهـای چهره‌به‌چهـره مردم، سـنتها و سـرگرمی هـای محلی، فرهنـگ کافه-نشـینی، سـاعت هـای بـاز، حرکـت، جاذبـه هـا، دادوسـتد، بافـت نـرم اقتصـادی؛ «فـرم یـا کالبـد»: مقیـاس، نیرومنـدی، نفوذپذیـری، نشـانه های شـهری، نسـبت فضـا به سـاختمانها، دانـه بندی عمـودی، عرصـه عمومـی؛ «تصـورات»: نمادگرایی و خاطـره، تصویرپذیـری و خوانایـی، تجربـه حسـی، قابلیـت اِدراک، قـدرت پذیـرش دسـترس روانـی، جامعیت و جهان شـمول بـودن (Carmona،2003:99).

همانگونه که مشـاهده می‌شـود، عمـده معیارهایی را کـه در کیفیـت محیـط شـهری ارائـه شـده بـه

۱. فضاهای شهری به‌طورکلی نظم عمومی جهان انسانی را بازتولید می‌کند. در این فضاها تماس میان شهرنشینان اتفاقی آنی و زودگذر است. به زعم جین جاکوبز منتقد معماری آمریکایی؛ پیاده‌روهای شهری به مثابه یک فضای عمومی در به وجود آوردن یک فضای همدلانه و جو اعتماد و صمیمیت میان افراد موثرند (ادعای جاکوبز با ملاحظه فضای عمومی شهرهای توسعه نیافته به راحتی قابل نقد است.) فضای عمومی شهر همانطور که از نام آن پیداست، یک فضای «عمومی» است. عمدتاً به فضای عمومی شهر به عنوان یک واحد محیط شناختی «Ecological Unit» نگریسته می شود و مباحث شکل گرفته پیرامون آن یک نوع ریخت شناسی «morphology» صرف است.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

صورت خلاصه‌تر در معیارهای کرمونا برای پایداری مشاهده کرد. هرچند مجموعه معیارهای ارائه شده توسط متخصصین می‌تواند به کیفیت ایده‌آل فضای شهری، که تعبیری از پایداری این فضاهاست، نزدیک شود، ولی همانگونه که به صورت کاملا بارز مشاهده می شود، به ابعاد محیطی و مولفه های زیست محیطی موثر در کیفیت فضاها توجه ویژه ای نشده است. روشن ترین وجه تبلور این مساله را در مدل های ارائه شده به عنوان دو مرجع مهم می توان دید. ارزش مولفه های محیطی نظیر اقلیم خرد ناشی از آفتاب، باد و غیره به گونه ای است که در صورت فراهم نبودن آسایش محیطی در فضای شهری، صحبت از معیارهای دیگر کیفیت، که نتیجه ای از حضور مردم در فضای شهری است، بی نتیجه به نظر می رسد. شدت این مساله در مناطقی که دارای شرایط محیطی خاص هستند، بیشتر است. وجه دیگر ارزش مولفه های زیست محیطی فضاهای عمومی شهری دامنه گسترده ارتباطی آن است که در یک سلسله مراتب به شهر، منطقه و بنا به تعبیرات پایداری به کلیت کره زمین پیوند می یابد. به زبانی جایگاه فضای عمومی شهری در یک اکوسیستم دیده می شود. به نوعی مبتنی بر تعابیر مک هارگ، ما در هنگام طراحی یک فضای شهری حتی در مقیاسی کوچک داریم در بخشی از کره زمین به عنوان یک کلیت طراحی می کنیم. گلکار با اشاره به پیشرفت دانش طراحی شهری در دهه های اخیر و همچنین مطرح شدن بحث پایداری مبتنی بر بوم شناسی و توجه به محیط به نارسایی مدل کانتر به عنوان یک مدل مرجع در این زمینه اشاره کرده و عنصر اکوسیستم را به کالبد، فعالیت و تصورات در مدل کانتر می افزاید. وی این ترکیب جدید را مدل مکان پایدار می نامد[2]. تطبیق این مدل با معیارهای سه گانه پایداری یعنی مولفه اجتماعی، اقتصادی و محیطی نشان می دهد که مولفه های زیست محیطی دقیقا منطبق بر بعد محیطی است. دو مولفه دیگر عملکری و تجربی- زیبایی شناختی را بسته به معیارهای ارائه شده در مورد هر مولفه می توان به صورت زیر مجموعه ای مشترک از دو بعد از ابعاد سه گانه دانست. به طور ویژه مولفه عملکردی و تجربی- زیبایی شناختی را می توان در زیر مجموعه مشترکی از بعد اجتماعی و محیطی دانست. گلکار در آزمون مدل پیشنهادی خود برای مکان پایدار معیارهای کیفیتهای ارائه شده توسط متخصصین را در ذیل سه مولفه خود طبقه بندی می کند و مجموعه آنها را نمایش می دهد.

نگاه به این جمعبندی عدم حضور ویژه بعد اقتصادی و به دنبال آن بعد مدیریتی را در بیان مکان پایدار نشان می‌دهد. هر چند وی پاره‌ای از معیارهای اقتصادی و مدیریتی مطرح شده توسط متخصصینی نظیر «لینچ، جیکوبز، هاوتون و هانتر» را در ذیل مولفه عملکردی می‌آورد؛ باید چنین عنوان کرد که سطح بعد اقتصادی فراتر از آن است که زیرمجموعه‌ای از بعد عملکردی باشد و به نوعی اقتصاد خود شکل‌دهنده عملکرد است.

نظریه‌های معماری و شهرسازی انتقادی حوزه‌های عمومی

(*) الف- نظریه کرمونا و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «کرمونا» نیز عرصه عمومی را در دو بعد «عرصه کالبدی»[3] و «عرصه عمومی فرهنگی- اجتماعی»[4] مورد بررسی قرار می دهد (Carmona،2003:11).

(*) ب- کوستوف و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «کوستوف»[5] علی رغم اینکه در تعاریف خود از قلمرو عمومی بیشتر «فضاهای باز» را مدنظر دارد، اما به دلیل تعریفی که از فعالیت های انجام شده در این فضاها می کند به نظری مشابه لنگ می رسد: «شاید به صورت بنیادی، آیین‌های خاص خود ما در زمینه تعامل اجتماعی به آهستگی در درون یک رشته فضاهای خصوصی شده عمومی که منحصر به زمان ماست، رفته‌اند که شامل آنزیوم، پارک های موضوعی و مراکز خرید می گردد» (اهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸).

(*) پ- لنگ و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ لنگ اشاره می کند که در مورد محدوده فضای

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: گلکار، کورش(۱۳۸۰) مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه صفه شماره۳۲. صص ۶۵-۳۸

3. Physical Public Realm
4. Socio-Cultural Public Realm
5. Kostof

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

عمومی و خصوصی ابهام وجود دارد. به این دلیل که هر دو سطوح مشترک کالبدی می یابند. در واقع محدوده فضای عمومی گاه به درون محوطه‌هایی که دارای مالکیت خصوصی هستند، نفوذ می کند و این محوطه های را (به دلیل استفاده عمومی از آنها) به عنوان فضای عمومی مطرح می کند؛ یعنی محدوده اجتماعی فضای عمومی با محدوده حقوقی و کالبدی آن، روی هم قرار نمی گیرند. درنتیجه مرز کالبدی فضا با قلمرو اجتماعی آن یکسان نیست. وی در این ابهام فضاهای عمومی اعتقاد دارد که اگرچه مردم از نظر دسترسی به آنها از آزادی نسبی برخوردارند، اما این مکان ها در مالکیت خصوصی قرار دارند. در توضیح این نکته لنگ می گوید: اگرچه، درمورد آنچه که قلمرو عمومی را تشکیل می دهد، مقداری ابهام وجود دارد، ولی چنان که تحلیل مختصری از عناصر محاط کننده آن نشان می دهد، قلمرو عمومی را کف و سطوح ساختمان های احاطه کنندهٔ آن دربرگرفته است. برخی از این سطوح دیوارهای خارجی هستند که فضای عمومی و خصوصی را از هم جدا می کنند، اما سطوح دیگر، دیوارها و سقف هایی هستند که فضاهای داخلی را در خود جای می دهند. ابهام به دو دلیل ایجاد می شود:

۱- عناصر تعریف کننده قلمرو عمومی (به‌ویژه دیوارهای ساختمانها) غالباً در مالکیت خصوصی هستند که مسائلی را در رابطه با مالکیت عمومی در برابر خصوصی مطرح می کند و

۲- بسیاری از فضاها، هم در داخل و هم در خارج ساختمان‌ها نیمه عمومی هستند (Lang 1994:187-189).

(*) ث- نظریه چرمایف- الکساندر و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «چرمایف»[6] و «الکساندر»[7] به طور کلی سلسله مراتب فضاهای شهری یا عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی را در شش دسته زیر طبقه‌بندی می کنند: «فضاهای عمومی شهری»: جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم مردم است، مانند شاهراه ها، جاده ها، راه ها و پارک های شهری؛ «فضاهای نیمه عمومی شهری»: فضاهایی خاص از شهر که مورد استفاده عموم قرار می گیرند ولی دولت یا مؤسسه ای بر آنها نظارت می کند و سرپرستی آنها را به عهده دارد. مانند بنای شهرداری ها، دادگاه ها، مدارس دولتی، دفاتر پست، بیمارستانها، ایستگاه های مسافربری، پارکینگ ها، گاراژها، استادیوم ها و تئاترها. «فضاهای عمومی خاص یک گروه»: جاهایی که در مرز عرصه خدمات و تسهیلات عمومی و خصوصی قرار گرفته اند و هر دو عرصه باید به آن دسترسی داشته باشند و در قبال آن مسئول هستند. مانند جاهایی که از خدمات پستی، آب و برق، آتش نشانی از آن استفاده می کنند. «فضاهای خصوصی خاص یک گروه»: انواع جاهایی کم اهمیت تر که تحت نظارت دستگاه اداره کننده ای باشند از جانب بخش دولتی یا بخش خصوصی برای مستأجرین حقیقی و یا حقوقی. مانند باغ های عمومی، زمین های بازی، انبار و غیره. «فضاهای خصوصی خانواده»: فضاهایی در عرصه خصوصی که در اختیار یک خانواده واحد باشد مانند صرف غذا، تفریح و غیره. «فضاهای خصوصی فرد»: اتاق اختصاصی هر شخص یا هریک از اعضای خانواده (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷).

(*) ج- نیروی ویژه شهری و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «نیروی ویژه مسائل شهری»[8] با بر شمردن فضاهایی همچون خیابانها، میادین و پارکها به عنوان فضای عمومی به شبکه فضاهای عمومی اشاره می-کند و چنین بیان می‌دارد که چنین شبکه‌ای دامنه انتخاب های مردم در زندگی روزمره شهری را گسترده می‌کند. از دید آن‌ها بهترین شهرهای فشرده و منظم حول یک الگوی ارتباطی مناسب از خیابان ها و فضاهای عمومی طراحی می شوند. این گروه سپس جهت ایجاد یک عرصه عمومی با ارزش های ثبت نیاز به یک رویکرد و برنامه ریزی جامع در مورد فضاهای عمومی را مطرح کرده و دو توصیه اساسی می دهد: «۱. نهادهای مدیریت علمی نیاز به فراهم آوردن یک استراتژی جداگانه برای عرصه عمومی و فضاهای باز دامنه که با طراحی نگهداری، مدیریت و مسائل مالی سر و کار دارد؛ و ۲. معرفی یک برنامه ملی جهت ایجاد مسیرهای سبز پیاده

6. Chermayeff
7. Alexander
8. Urban Task Force

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شـهری اطراف یا درون شـهرهای بزرگ و کوچک.»[۹]

(*) چ- گهـل و ابعـاد عرصـه در فضای شـهری؛ یـک فضـای شـهری مـی توانـد متناسـب بـا نیازهای زمانـی و مکانـی افـراد جامعـه، خصلـت مطلـوب یا نامطلـوب پیـدا کنـد. بسـته بـه میـزان همخوانـی و همنوایـی کارکـردی بـا اهداف مـورد انتظـار، مقیاس و حجـم روابـط، تطابق و تناسـب با نیازهـای روزمره گـروه هـای اجتماعـی و همخوانـی با کلیت سـاختار شـهر، فضای شـهری می تواند از وجوه برجسـته‌تری از نظـام مطلـوب بهـره گیـرد. فضای شـهری در عین دارا بـودن ارزش‌هـای اجتماعـی و فرهنگـی جامعـه، ظـرف فعالیت‌هـای شـهری و ضرورتهـا مرتـب بـر آن نیـز محسـوب می‌گـردد. «گهـل» در کتـاب خـود ایـن فعالیتهـا را در سـه طیـف مـورد بررسـی قـرار می‌دهـد: «۱. «فعالیـت هـای ضـروری»؛ فعالیت های ضـروری[۱۰] و بـا اهمیت که تحت هر شـرایطی اتفاق مـی افتنـد و ارتبـاط خاصی با ویژگی‌هـای منحصر به فـرد اجتماعـی ندارنـد. فعالیـت هایـی نظیـر رفتن به محـل کار یا مدرسـه، انجام خرید، انتظار در ایسـتگاه اتوبـوس و سـایر فعالیـت های عمومـی و روزمره در ایـن دسـته جـای می‌گیرند. ایـن طیـف از فعالیت ها درجـات متفـاوت از مشـارکت اجتماعـی را می‌طلبد؛ ۲. «فعالیت‌هـای گزینشـی و انتخابـی»؛ دسـته دوم از فعالیت‌هایـی کـه در فضـای شـهری انجـام مـی شـوند را، «فعالیتهای گزینشـی و انتخابی»[۱۱] تشـکیل می‌دهنـد کـه در شـرایط مناسـب و وضعیـت دلخواه افـراد ضـرورت پیـدا می‌کننـد. قـدم زدن در هـوای آزاد، توقـف و مکـث در مکان‌های تفریحی، نشسـتن و اسـتراحت در مکان‌هـای جـذاب و دیدنـی جـزء فعالیت‌هـای انتخابـی و موردی به‌شـمار مـی آیند؛ ۳. «فعالیت‌هـای اجتماعی»؛ دسـته سـوم از فعالیت هایی کـه در فضـای شـهری رخ مـی دهنـد، «فعالیت‌هـای اجتماعـی»[۱۲] هسـتند که بسـته بـه ویژگی‌های فضای شـهری طیـف گسـترده‌ای از روابـط متقابـل افـراد را در برمی‌گیـرد. ایـن فعالیـت هـا بـه دلیـل تأثیرپذیری از سـایر فعالیـت هـا و فضـای اجتماعـی، فعالیـت هـای نهایـی نیـز خوانـده می شـوند. شـرایط خاص فضاهـا جهـت ایسـتادن، نشسـتن، خـوردن بـازی کـردن و غیـره، ایـن فعالیت‌هـا را تحـت تأثیـر خـود قـرار می‌دهنـد. در فضاهـای شـهری کـه فاقـد جنبـه هـای لازم جهـت تقویـت روابـط اجتماعـی هسـتند، تنهـا مقـدار کمـی از ایـن فعالیـت هـا امـکان بـروز پیـدا می‌کنـد کـه بسـته به شـرایط افـراد نیـز متفاوت خواهـد بـود. در مقابـل در فضاهایـی که از ایـن ابعاد غنـی هسـتند، سـطح و قـدر بالایـی از فعالیـت هـای اجتماعی شـکل می-گیـرد. [۱۳]

(*) ح- نظریـه جیـن جیکوبـز و ابعـاد عرصه در فضاهـای شـهری؛ «جیـن جیکوبز»[۱۴] در سـال ۱۹۶۱ در کتـاب «زندگـی و مرگ شـهرهای بـزرگ آمریکا»، ۵ معیـار را بـرای محیطـی بـا کیفیـت مطلـوب بیـان مـی کنـد: «۱. ملحـوظ داشـتن فعالیـت های مناسـب پیـش از توجـه بـه نظم بصـری محیط؛ ۲. اسـتفاده از کاربـری مختلـط چـه بـه لحـاظ تنـوع اسـتفاده و چه از نظـر حضـور ابنیـه با قدمت‌هـای مختلـف در یک ناحیـه؛ ۳. توجه بـه عنصر خیابـان؛ ٤. نفوذپذیر بودن (قابـل دسـترس بـودن) بافت؛ و ۵. اختـلاط اجتماعی و انعطـاف پذیـر بـودن فضاها.

(*) خ- لینـچ و ابعاد عرصه در فضاهای شـهری؛ «کوین لینچ» با انتشـار «تئوری شـکل خوب شـهر» در سـال ۱۹۸۱ میلادی حصـول کیفیت مناسـب طراحی شـهری و بـه تبـع آن ارتقـاء کیفیـت زندگی شـهری را در گـرو پنـج معیـار و دو فـوق معیـار زیـر اعـلان مـی‌دارد: «سـرزندگی»: بـه مفهوم امکان بقای زیسـت شـناختی و جامعـه شـناختی انسـان در محیـط شـهر؛ «معنـی (حـس)»: بـه معنـی نقـش انگیزشـی ذهنی و معنـادار بـودن مـکان هـای شـهری؛ «سـازگاری»: به منظـور انطباق فرم شـهری بـا فعالیت هـای گوناگون و مدارهـای رفتـاری؛ «دسترسـی»: به مفهوم سـهولت نفـوذ فیزیکـی بـه بخش هـای مختلف بافت شـهری؛ «کنتـرل و نظـارت»: بـه مفهـوم فراهـم بـودن امـکان انتخـاب و مداخلـه شـهروندان در امـور مرتبـط بـا مدیریـت و اسـتفاده از عرصـه همانـی؛ «کارایی»: کارا

۹. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: Urban Task Force (1999) 59-Towards an Urban Renaissance. PP 56

10. Necessary Activities

11. Optional Activities

12. Resultan Activities(Social Activities)

۱۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

-Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings

-Larice, Michel and Macdonald، Elizabet (2007) The Urban Design Reader. Routeldge. New York. PP348375-

– رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸٤) فضاهای عمومی شهری: بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۳. صص۴۳-۳۵

14. Jacobs

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بـودن هریـک از معیارهـای فـوق باتوجـه بـه هزینه؛ و «عدالـت»: پرداختـه شـدن هزینـه معیارهـا از طریق سـازمان یـا طبقـه اجتماعـی که بایـد بـرای آن هزینه کنند [۱۵].

(*) د- یـان بنتلـی و ابعـاد عرصـه در فضاهـای شـهری؛ یکـی از مشـهورترین مجموعـه کیفیتهـای طراحـی شـهری مجموعـه ارائـه شـده توسـط «یـان بنتلـی و همکارانـش» در کتـاب «محیـط هـای پاسـخده»[۱۶] اسـت. ایـن ۷ معیـار کـه بایـد در ایجـاد محیطهـای پاسـخده رعایـت شـوند عبارتنـد از: «نفوذپذیـری»؛ «گوناگونـی»؛ «خوانایـی»؛ «انعطـاف پذیـری»؛ «تناسـبات بصـری»؛ «غنـای حسـی»؛ و «رنـگ تعلـق». در بسـیاری متـون ایـن کیفیـات در قالـب اهداف طراحی شـهری بیان شـده اسـت، بطور مثـال در کتـاب «بـه کمک طراحـی»[۱۷] که بیـان کننده موفقیـت طراحـی در سیسـتم برنامه‌ریـزی اسـت، اهـداف طراحـی بـه نوعـی بیـان کننـده کیفیـت های مـورد توجه در طراحی شـهری محیط کالبدی اسـت. ایـن اهداف عبارتند از: هویت؛ تـداوم و محصوریت؛ کیفیـت عرصـه همگانی؛ سـهولت حرکـت؛ خوانایی؛ تطابـق؛ و تنـوع.

(*) ذ- PPS و ابعـاد عرصـه در فضاهای شـهری؛ در همیـن زمینـه مطالعـه ای کـه [۱۸] PPS بـر روی بیـش از ۱۰۰۰ قطعـه فضـای عمومـی شـهری در کشـورهای مختلـف دنیـا انجـام داده اسـت، حاکـی از آن اسـت کـه ٤ عامـل اساسـی سـنجش «مطلوبیت کیفـی وضعیـت فضاهـای عمومی شـهری» از اهمیت بیشـتری برخـوردار بـوده اسـت: «دسترسـی و بـه همپیوسـتگی»[۱۹] ؛ «آسـایش [۲۰] و تصویـر ذهنـی»؛ «اسـتفاده هـا و فعالیتهـا»[۲۱] ؛ «اجتماعـی بـودن»[۲۲].

(*) ر- پانتـر و کرمونـا و ابعاد عرصه در فضاهای شـهری؛ «جـان پانتـر و متیـو کرمونا» در کتـاب «ابعاد طراحانـه برنامـه ریزی شـهری»[۲۳] در ۱۹۹۱ نیز بحث کیفیـت را در مـوارد زیـر مطـرح کرده‌انـد: «کیفیـت پایـداری زیسـت محیطـی»؛ «کیفیـت منظـر شـهر»؛ «کیفیـت دیـده هـا»؛ «کیفیـت فـرم شـهر»؛ «کیفیـت فـرم سـاختمان»؛ و «کیفیت عرصه همگانـی.» تحلیلی دیگـر از «کیفیـات محیـط کالبدی» در کتـاب معروف «متیـو کرمونـا» تحـت عنـوان «مـکان هـای عمومی- فضاهـای شـهری»[۲٤] ارائـه شـده اسـت. در ایـن اثـر کرمونـا کیفیـات تأثیرگـذار بـر محیط کالبـدی را به ۷ دسـته تقسـیم کـرده اسـت کـه عبارتند از: دسترسـی؛ سـخت فضـا و نـرم فضـا؛ فضـای همگانـی؛ ایمنـی و امنیـت؛ منظـر شـهری؛ اختـلاط و تراکـم؛ و همـه شـمول بودن.

(*) ز- OPDM و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ دفتـر معاونـت نخسـت وزیـر انگلیـس (OPDM) در بررسـی شـخصیت و هویـت فضای عمومی سـه بعد را مطـرح مـی کنـد: ۱. «بسـتر فعالیـت»[۲۵] : که شـامل محیـط فیزیکـی، اجتماعـی و اقتصـادی می شـود؛ ۲. «جعبـه ابـزار»[۲٦] : کـه عناصـر اصلـی و کلیـدی کـه فضای عمومی را تشـکیل می دهند، شـامل می شـود؛ و ۳. «کیفیـت هـا»[۲۷] کـه برتـری های خـاص و ویژه فضـا را در بـردارد. ایـن دفتـر سـپس باتکیه بـر آنچه در سـند «بـه کمـک طراحـی»[۲۸] که توسـط CABE [۲۹] و DETR [۳۰] در سـال ۲۰۰۰ منتشـر شـده است، اشاره مـی کنـد که فضاهـای عمومی می توانند بـا ۱۰ عامل زیر متمایز و مشـخص شـوند: «نظافـت و پاکیزگی»[۳۱] : آیـا ایـن مـکان هـا تمیـز هسـتند و بـه تمیـزی آنها رسـیدگی مـی شـود؟ «دسترسـی»[۳۲] : ایـن فضاهـا تا چـه انـدازه در دسترسـند و قابلیـت تحـرک در آنهـا

۱۵. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به : لینچ، کوین (۱۳۸۷) تئوری شکل خوب شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی. انتشارات دانشگاه تهران.

۱٦. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: بنتلی، یان (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، ترجمه: بهزادفر، مصطفی، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

17. DETR(2000) By Design، Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment London

18. Project for Public Spaces (www.pps.،org)

19. Access & Linking

20. Comfort & Image

21. Uses & Activities

22. Sociability

۲۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:
- Punter،J and Carmona، M(1997)The Design dimension of Planing/E & FN SPON

۲٤. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:
- Carmona، M (2003) Public places، Urban spaces. Architectural press

25. The Context for Actions

26. The Kit of Parts

27. The Caualities

28. By Design

29. Commission for Architecture and the Built Environment

30. Department of the Environment، transport and the Regions

31. CleanLiness

32. Accessability

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

وجـود دارد؟ «جذابیـت»[33]: تـا چـه انـدازه جذابیـت بصـری دارنـد؟ «راحتـی»[34]: آیـا افـراد در گذرانـدن اوقـات فراغت در این مـکان راحتنـد؟ «جامعیت»[35]: بـه چـه میـزان پذیرای طیف هـای مختلـف اجتماعی هسـتند؟ «سـرزندگی و پویایـی»[36]: تـا چـه حـد از فضـا اسـتفاده شـده و امـکان انجام فعالیت های شـاد و زندگـی بخـش وجـود دارد. «عملکـرد»[37]: تـا چه حـد قابلیـت بـه مرحله اجـرا درآمـدن فعالیـت های مختلـف در فضـا وجـود دارد؟ «تمایـز و تشـخیص»[38]: آیـا ایـن فضا یک شـخصیت خـاص دارد؟ «ایمنی و امنیـت»[39]: آیـا ایـن فضاهـا احسـاس امنیـت را القا مـی کننـد و فضاهـای امنی هسـتند؟ «نیرومنـدی»[40]: تـا چـه حـد در طـول زمـان انعطـاف پذیـر هسـتند؟ (ODPM،2004:19)

جدول ۲. نظریه پردازان به مفهوم عرصه شهری با دیدگاه انتقادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

	نظریه پرداز	مفهوم عرصه
۱	**هابرماس**	حوزه عمومی فراهمکننده شکلگیری و تحقق جامعه مدنی بوده و فضای عمومی (شهری) تجلی کالبدی حوزه عمومی است. حوزه عمومی به معنی دقیق کلمه عرصه ای است که هیچ حد و حدودی بر فعالیت آن وضع نشده باشد، حوزه عمومی حوزه عقلانی و حقیقت یاب و حقیقت ساز جامعه است. اهمیت این مفهوم بهعنوان اساس نقد جامعه مبتنی بر اصول دموکراتیک بوده است. با نقد فرآیند عقلانیت ابزاری مفهوم عقلانیت ارتباطی را عرضه می دارد که اساساً فرآیندی رهایی بخش است. . کنشِ ارتباطی
۲	فرانسیس تیبالدز	عرصهٔ عمومی را چنین می داند: «تمام بخشهای بافت شهری که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بدین ترتیب، خیابان ها، پارکها و میادین شهرک یا شهر، با ساختمان هایی که محصورشان می کنند گسترش می یابند». از منظر او، عرصه های عمومی «مهمترین بخش از ساختار شهرک ها و شهرهای ما هستند؛ جایی که بیشترین میزان تماس و تعامل انسان ها در آن روی می دهد» (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸٤، ص ۳٦).
۳	والزر	فضایی است که در آن با غریبه ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، داد و ستد و ورزش، فضایی برای همزیستی مسالمتآمیز و برخوردهای غیر شخصی
٤	جان لنگ	عرصه عمومی از دو جزء تشکیل می شود: جزء اول با عناصر عمومی محیط کالبدی (مصنوعی و طبیعی) که رفتارها در آن روی میدهند ارتباط دارد؛ و جزء دوم چگونگی تصمیم گیریهای جمعی توسط دولت یا در چارچوب سازوکار بازار براساس قانون اساسی هر کشور را در برمی گیرد.
٥	«کرمونا»	عرصه عمومی را در دو بعد «عرصه کالبدی» و «عرصه عمومی فرهنگی- اجتماعی» مورد بررسی قرار می دهد. (Carmona،2003:11)
٦	کوستوف	«شاید به صورت بنیادی، آیین های خاص خود ما در زمینه تعامل اجتماعی به آهستگی در درون یک رشته فضاهای خصوصی شده عمومی که منحصر به زمان ماست، رفتهاند که شامل آنزیوم، پارک های موضوعی و مراکز خرید می گردد» (اهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸؛ به نقل از Kostof،1992:82). «فضاهای باز» + فعالیت

33. Attractiveness
34. Comfort
35. Inclusively
36. Vitality and Viability
37. Functionality
38. Distinctiveness
39. Safety and Security
40. Robustness

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۲. نظریه پردازان به مفهوم عرصه شهری با دیدگاه انتقادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

	نظریه پرداز	مفهوم عرصه
۷	**هانا آرنت**	نظریه توتالیتاریسم آرنت سیاست را مهمترین عرصه تجلی عمل انسانی میداند، همان که او را به آزادی می رساند. و حوزه عمومی دنیای مشترک و فضای ظهور.
۸	نانسی فریزر	مفهوم حوزه عمومی هابرماس را به اختصار این‌گونه توصیف کرده است: «این مفهوم، تئاتری را در جوامع مدرن مشخص می‌کند که در آن مشارکت سیاسی از طریق گفتگو اجرا می‌شود. حوزه عمومی فضایی است که در آن شهروندان درباره امور مشترکشان گفتگو می‌کنند و از این‌رو عرصه نهادینه کنش متقابل گفتگویی است.»
۹	Carr	فضای عمومی به عنوان بستر مشترکی است برای انجام فعالیت های کارکردی و مراسمی که پیوند دهنده اعضای جامعه است. چه روزمرگی های معمولی باشد و چه جشنواره های دورهای؛ صفحه ای است که در آن نمایش زندگی جمعی در معرض دید قرار می گیرد.
۱۰	مدنی پور	«فضای عمومی را می توان به مشابه فضایی تعریف کرد که اجازه می دهد مردم به آن و فعالیت های درون آن دسترسی داشته باشند و فضایی است که یک کارگزار عمومی آن را کنترل می کند، فضایی که در جهت منافع عمومی تأمین و اداره می شود» (Madani Pour،1996:148). فضای عمومی مکان هم زمانی فعالیت هاست، مکانی برای عرضه و نمایش، محک زدن واقعیت، کنکاش در تفاوتها و هویت ها، عرصه ای برای بازشناخت، مکانی که فرد با باز نمایی تفاوتها از خود و دیگران شناخت بدست می آورد و امکان بررسی رابطه امر خاص و کلی و امر شخصی و غیرشخصی را پیدا می کند.
۱۱	بابک احمدی	هابرماس از گستره یا فضایی اجتماعی یاد می کند که میان دولت و جامعه مدنی قرار می گیرد و کارکرد فعال اجتماعی اش وابسته به تمایز قطعی و شکاف میان آن دو است. این گستره مجموعه ای است کنشها و نهادهای فرهنگی که البته کارکردهای غیر فرهنگی یعنی نقش های سیاسی- اجتماعی و اقتصادی نیز می یابند. این کارکردها جنبه عمومی ویا همگانیت دارند که در بهترین حالت از نفوذ نیروها و نهادهای دولتی مستقل و مصون هستند. در عین حال نهادهای حوزه عمومی دارای آن استقلال زندگی شخصی و خصوصی که ویژه جامعه مدنی است، نیستند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

برای پاسخ به سؤال با توجه به محدودیتها و شرایط خاص از نظرات متخصصین در زمینه ارزیابی مولفه‌های مستخرجه به عنوان الزامات تبدیل مکان به عرصه‌های عمومی و بر اساس نمونه‌های هدفمند و در مجموع مؤلفه‌های مستخره به تایید صاحب‌نظران رسید و هدف تحقیق محقق گردید.

معیار	تعریف عملیاتی
آزادی	این معیار به آن معناست که طرح بتواند حقوق فردی افراد را حفظ کرده و آزادیهای فردی، فدای اجرای آن نشود.
فرصت برابر	این معیار به فرصت برابر به دسترسی برای همه از فرصتها، منابع، امکانات و اطلاعات تاکید دارد و در تقابل با رانتهای گروه های خاص صاحب قدرت و یا نفوذ تعریف می شود.
تفاوت	این معیار بدان معناست که در صورتی که تفاوتی در توزیع وجود دارد، این تفاوت زمانی عادلانه است که به نفع محروم ترین طبقه باشد.
نیاز	این معیار اشاره دارد که افراد دارای از حقوق مساوی در بهرهوری از منابع و امتیازات برخوردار هستند؛ ولی نیاز همه افراد مشابه نیست و تساوی در بهرهوری از دیدگاه نیاز افراد به صورت تخصیص نابرابر (عدم تساوی) جلوهگر میشود.
شرکت درمنفعت عمومی	مطابق این معیار، آن دسته از افرادی که فعالیتشان به نفع عده بیشتری است، بیشتر از آن عده که فعالیتشان به عده کمتری اختصاص دارد، حق ادعا دارند.
استحقاق	این معیار به مواردی اشاره دارد که افراد به دلایلی نظیر سابقه زحمت بیشتر، تحت تعلیم بوده و میزان تحصیلات و ... استحقاق بیشتری دارند.
آزادی انتخاب	این معیار به این معناست که شهروندان حق انتخاب آزادانه بهره برداری از فضا و شهر را دارند.
قرائتپذیری و شفافیت	این معیار به این معناست که فضاهای شهری امکان برقراری ارتباط با کاربران و قرائت آزادانه از فعالیتهای مندرج در فضای شهری را دارند.
تجمع پذیری	این معیار به این معناست که امکان زندگی جمعی و برقراری تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری داده می شود.
قرائت پذیری میراث فرهنگی	این معیار به این معناست که شهروندان می توانند با مواریث فرهنگی و پیشینه تاریخی خود ازادانه ارتباط برقرار کرده و ممنوعیتی ندارند.
زیبایی و منظر شهری	این معیار به این معناست که زیبایی منظر شهری در شکلگیری عرصه های عمومی شهری تاثیر دارد.
هویت و فرهنگ	این معیار به این معناست که افراد می توانند به هویت و فرهنگ خود (از نوع پوشش گرفته تا اداب و رسوم و جشنهای آیینی) رجوع و آن را در فضاهای شهری پدیدار کنند.
راحتی و اسایش	این معیار به این معناست که افراد در هنگام استفاده از فضا راحت بوده و احساس آسایش دارند.
تنوع و جذابیت	این معیار به این معناست که فضای شهری جذاب بوده و با تنوع خود می تواند زمینه حضور شهروندان را در فضا فراهم کند.
سرزندگی و پویایی تمایز و تشخیص	این معیار به این معناست که فضای شهری سرزنده و پویا بوده و امکان شکلگیری عرصه های عمومی از آن ناشی می شود. این معیار به این معناست که افراد می توانند فضای شهری را ازهم تشخیص داده و بین آنها تفاوت قائل شوند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

معیار	تعریف عملیاتی
ایمنی و امنیت	این معیار به جنبه های امنیت اجتماعی و ایمنی کالبدی- فیزیکی و تاثیر ان بر شکلگیری عرصه های عمومی نظر دارد.
نیرومندی فضا	این معیار به جذب کنندگی و قدرت هر فضا در پدیدار کردن فعالیتهای خاص اجتماعی اشاره دارد
نظافت و پاکیزگی	این معیار به پاکیزگی و بهداشت محیط و نقش احتمالی آن در شکلگیری عرصه های عمومی نظر دارد.
ارزشهای معمارانه محیط	این معیار به ویژگیهای معماری فضاهای شهری و نقش احتمالی آن بر شکلگیری عرصه های عمومی نظر دارد.
محیط همگانی	این معیار اشاره دارد که فضای شهری می تواگیردند بوسیله همه اقشار اجتماعی مورد استفاده قرار.
سهولت دسترسی	این معیار اشاره دارد که فضای شهری به آسانی قابلیت دسترسی دارد.
اصالت و معنا	این معیار اشاره دارد که فضای شهری دارای معنا، اصیل بوده و زمینه شکلگیری عرصه های عمومی را شدنی می کند.
مشارکت پذیری	این معیار به این معناست که امکان مشارکت شهروندی و عامه مردم در فضا فراهم می شود و فضا بستر شکلگیری مشارکتهای مدنی و اجتماعی است.
نقدپذیری در فضا	این معیار به این معناست که به شهروندان می توانند در فضاهای شهری به نقد مسائل روز و مسائل روزمره زندگی خود در تمامی ابعاد بپردازند.
خردورزی و عقلانیت	این معیار به این معناست که روحیه حاکم بر فضای شهرها کاملاً عقلانی و خالی از رویکردها و رویه های احساسی و مهتر از آن غیرعقلایی است.
انعطاف پذیری	این معیار به این معناست که در برابر نحوه استفاده مردم و نیاز انها منعطف عمل کند.
کنش ارتباطی و گفتگوپذیری	این معیار به این معناست که امکان تعامل اجتماعی و زمینه گفتگوی شهروندان فراهم می شود.
عدالت فضایی و اجتماعی	این معیار به جنبه ها و فرصتهای استفاده عادلانه از فضا برای تمام اقشار فارغ از نوع، جنس، سن و ... نظر دارد.
سهولت دسترسی	این معیار اشاره دارد که فضای شهری به آسانی قابلیت دسترسی دارد.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

یافته‌های پژوهش

جهت پاسخگویی به سؤال تحقیق، داده‌های گردآوری شده‌ای که از نمونه هدف دریافت شده است، از آمار توصیفی و نیز آمار استنباطی بهره گرفته شد. در بخش جمعیت شناختی از میانگین و درصد و رتبه استفاده شد و در بخش استنباطی نیز در محیط لیزرل و با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی رتبه اول و دوم و تحلیل اکتشافی به سنجش نیکویی برازش مولفه‌های پیشنهادی برای تبدیل مکان به عرصه‌های عمومی شهری اقدام شد.

تحلیل اکتشافی

در تحلیل اکتشافی (Exploratory factor analysis) پژوهشگر به دنبال بررسی داده‌های تجربی به منظور کشف و شناسایی شاخص‌ها و نیز روابط بین آنهاست و این کار را بدون تحمیل هرگونه مدل معینی انجام می‌دهد. به بیان دیگر تحلیل اکتشافی علاوه بر آنکه ارزش تجسسی یا پیشنهادی دارد می‌تواند ساختارساز، مدل ساز یا فرضیه‌ساز باشد. تحلیل اکتشافی وقتی به‌کار می‌رود که پژوهشگر شواهد کافی قبلی و پیش تجربی برای تشکیل

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

فرضیه درباره تعداد عامل‌های زیربنایی داده‌ها نداشته و به واقع مایل باشد درباره تعیین تعداد یا ماهیت عامل‌هایی که همپراشی بین متغیرها را توجیه می‌کنند داده‌ها را بکاود. بنابر این تحلیل اکتشافی بیشتر به عنوان یک روش تدوین و تولید تئوری و نه یک روش آزمون تئوری در نظر گرفته می‌شود. بنابراین برای کشف نظرات نمونه آماری و برای پاسخگویی به سوال فوق و ارزیابی دیدگاههای متخصصان در زمینه مولفه‌های مسترخه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که نتایج آن به قرار زیر است:

۱. پیش فرض اجرای تحلیل اکتشافی؛ در انجام تحلیل اکتشافی و عاملی، ابتدا باید از این مسئله اطمینان حاصل کنیم که آیا می توان داده‌های موجود را تقلیل، و به چندین عامل پنهانی کاهش داد یا خیر؟ در انجام تحلیل عاملی، برای این مقصود، از دو آزمون KMO و بارتلت استفاده می کنیم که هر این دو آزمون نشان می دهند آیا داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟

۲. شاخص کفایت نمونه گیری کیزر - میر- اولکین (KMO)؛ این آزمون که با علامت اختصاری KMO مشخص شده، اولین هدف تحلیل عاملی را برآورده می‌کند. یعنی این آزمون مشخص می‌کند که آیا واریانس متغیرهای تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی هست یا خیر؟ به عبارتی، آیا می توان گفت که واریانس مجموعه متغیرها ناشی از یک سری عوامل پنهانی و بنیادی است و نه تمامی این متغیرها؛ مقدار آماده این آزمون بین (۰) تا (۱) نوسان دارد.

آزمون کرویت بارتلت؛ آزمون بارتلت درصدد برآوردن هدف دوم تحلیل عاملی می‌باشد. یعنی این آزمون به ما کمک می‌کند تا پس از فراهم بودن امکان تقلیل داده ها به یک سری عامل‌های پنهانی، بتوانیم ساختار جدیدی را بر اساس همبستگی بین متغیرها و عامل ها و معنای انضمامی آن ها کشف کنیم. آزمون بارتلت این فرض صفر را از آزمون می‌کند که آیا ماتریس همبستگی داده ها، یک ماتریس واحد و همانی است یا خیر؟

جدول ۳. (آزمون بارتلت) KMO and Bartlett›s Testa

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		0.694
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	2.899E
	Df	112
	Sig.	0.000
a. Based on correlations		

آزمون بارتلت و KMO و همچنین سطح معنی داری به دست آمده نشان می دهد که ماتریس ماده ها یک ماده اتحاد نیست و به عبارت دیگر همبستگی کافی برای تحلیل عامل اکتشافی وجود دارد. برهمین اساس، در ادامه در مرحله اول به تحلیل اکتشافی گویه‌های پرسشنامه به صورت کلی یک عامل کلی پرداخته می شود و قابلیت تبیین هرکدام بررسی می شود. قبل از ارائه هرگونه نتیجه یک آزمونی استنباطی ابتدا به شاخصهای آمار توصیفی آن پرداخته می‌شود که شامل میانگین کسب شده در عرصه اجرا و میزان انحراف معیار که نسبت به میانگین در هریک از گویه‌ها دیده می‌شود، پرداخته می شود براساس همین رویکرد، محقق در این بخش ابتدا به ارائه گزارشی از آمار توصیفی پرداخته و سپس به نتایج آزمون استنباطی تحلیل اکتشافی پرداخته است:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول٤. شاخصهای آمار توصیفی مربوط به گویه‌های پرسشنامه

ردیف	گویه ها	میانگین	انحراف معیار
۱	آزادی	٤/٤٩	۰/۷۸
۲	فرصت برابر	٤/٤٤	۰/۸۱
۳	تفاوت	٤/٤٨	۰/۷٤
٤	نیاز	٤//٤۲	۰/۸۰
٥	شرکت در منفعت عمومی	٤/٤۷	۰/۷٥
٦	استحقاق	٤/٤۰	۰/۸۱
۷	آزادی انتخاب	٤/٤٥	۰/۷٤
۸	قرائتپذیری و شفافیت	٤/٤۳	۰/۷٥
۹	تجمع پذیری	٤/٤۷	۰/۷٦
۱۰	قرائت پذیری میراث فرهنگی	٤/٤۰	۰/۷۹
۱۱	زیبایی و منظر شهری	٤/٤۰	۰/۸٤
۱۲	هویت و فرهنگ	٤/٤۰	۰/۸۲
۱۳	راحتی و اسایش	٤/٤٥	۰/۷۹
۱٤	تنوع و جذابیت	٤/٤۷	۰/۸۰
۱٥	سرزندگی و پویایی	٤/٤۳	۰/۸۱
۱٦	تمایز و تشخیص	٤/٤۹	۰/۷۹
۱۷	ایمنی و امنیت	٤/٤۷	۰/۷۷
۱۸	نیرومندی فضا	٤/٥۰	۰/۷۳
۱۹	نظافت و پاکیزگی	٤/٤٦	۰/۷۹
۲۰	ارزشهای معمارانه محیط	٤/٤۸	۰/۷٤
۲۱	محیط همگانی	٤/٥۰	۰/۷۷
۲۲	سهولت دسترسی	٤/٤٥	۰/۷٥
۲۳	اصالت و معنا	٤/٤۷	۰/۸۰
۲٤	مشارکت پذیری	٤/٤٦	۰/۷٦
۲٥	نقدپذیری در فضا	٤/٤۷	۰/۷٦
۲٦	خردورزی و عقلانیت	٤/٤٦	۰/۷۸
۲۷	انعطاف پذیری	٤/٤٦	۰/۷۷
۲۸	کنش ارتباطی و گفتگوپذیری	٤/٤۲	۰/۷٦
۲۹	عدالت فضایی و اجتماعی	٤/٤٦	۰/۷٦

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

در جدول زیر مقدار ثابت معیاری برای تبیین گویه‌های یک پرسشنامه می باشد به طوریکه هرگویه ای که عدد تبیین آن به یک نزدیک باشد بیشترین قدرت پیش بینی و اولویت را در اختصاص یک مفهوم به یک موقعیت یا موضوع دارد همانطور که مشاهده می شود هریک از مفاهیم و مقوله‌ها اعدادی را به خود اختصاص داده‌اند که مرحله اول تحلیل اکتشافی می‌باشند که هر چقدر به معیار (عدد ۱) نزدیک باشند به همین مقدار دارای قدرت تبیین بیشتر و اهمیت هستند.

جدول ۵. مقدار واریانس هر گویه برای تبیین

مولفه ها	مقدار ثابت	میزان تبیین
آزادی	۱/۰۰	۰/۶۱۳
فرصت برابر	۱/۰۰	۰/۶۶۱
تفاوت	۱/۰۰	۰/۵۵٤
نیاز	۱/۰۰	۰/٤۲۵
شرکت درمنفعت عمومی	۱/۰۰	۰/۶۵۵
استحقاق	۱/۰۰	۰/۵۶۵
آزادی انتخاب	۱/۰۰	۰/۶۶۰
قرائتپذیری و شفافیت	۱/۰۰	۰/۵۵۶
تجمع پذیری	۱/۰۰	۰/۵۷۰
قرائت پذیری میراث فرهنگی	۱/۰۰	۰/۵۹۰
زیبایی و منظر شهری	۱/۰۰	۰/۶۳۳
هویت و فرهنگ	۱/۰۰	۰/۷۱٤
راحتی و اسایش	۱/۰۰	۰/۶۷۸
تنوع و جذابیت	۱/۰۰	۰/۶۳۷
سرزندگی و پویایی	۱/۰۰	۰/۶٤۵
تمایز و تشخیص	۱/۰۰	۰/۶۶٤
ایمنی و امنیت	۱/۰۰	۰/۵۶۵
نیرومندی فضا	۱/۰۰	۰/۶۰۵
نظافت و پاکیزگی	۱/۰۰	۰/۵٤۰
ارزشهای معمارانه محیط	۱/۰۰	۰/۶۲۷
محیط همگانی	۱/۰۰	۰/۵۵۸
سهولت دسترسی	۱/۰۰	۰/۵۹۵
اصالت و معنا	۱/۰۰	۰/۵۷۱
مشارکت پذیری	۱/۰۰	۰/۶٤۵
نقدپذیری در فضا	۱/۰۰	۰/۵۸۳
خردورزی و عقلانیت	۱/۰۰	۰/۵۹۱
انعطاف پذیری	۱/۰۰	۰/۶۲۳
کنش ارتباطی و گفتگوپذیری	۱/۰۰	۰/۶۱٤
عدالت فضایی و اجتماعی	۱/۰۰	۰/۶۱۳

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

نتایـج فـوق میـزان تبییـن هرکـدام از گویه‌هـا را کـه در تبدیـل مـکان بـه عرصه‌هـای عمومی شـهری مهـم و اساسـی هسـتند، را نشـان مـی دهـد. همـه گویـه هـا بـه نحـوی بارهـای عاملـی بالایـی را بـه خـود اختصـاص داده-انـد امـا گویه‌هـای فرصـت برابـر، عدالـت فضایـی و اجتماعـی، کنـش ارتباطـی و گفتگوپذیـری، مشـارکت پذیـری و انعطاف‌پذیری دارای بارهـای عاملـی بالایـی هسـتند.

جدول ٦. بررسی تبیین هریک از گویه‌های پرسشنامه

۱	آزادی	۴/۴۹	۰/۷۸
۲	فرصت برابر	۴/۴۴	۰/۸۱
۳	تفاوت	۴/۴۸	۰/۷۴
۴	نیاز	۴//۴۲	۰/۸۰
۵	شرکت درمنفعت عمومی	۴/۴۷	۰/۷۵
۶	استحقاق	۴/۴۰	۰/۸۱
۷	آزادی انتخاب	۴/۴۵	۰/۷۴
۸	قرائت‌پذیری و شفافیت	۴/۴۳	۰/۷۵
۹	تجمع پذیری	۴/۴۷	۰/۷۶
۱۰	قرائت پذیری میراث فرهنگی	۴/۴۰	۰/۷۹
۱۱	زیبایی و منظر شهری	۴/۴۰	۰/۸۴
۱۲	هویت و فرهنگ	۴/۴۰	۰/۸۲
۱۳	راحتی و اسایش	۴/۴۵	۰/۷۹
۱۴	تنوع و جذابیت	۴/۴۷	۰/۸۰
۱۵	سرزندگی و پویایی	۴/۴۳	۰/۸۱
۱۶	تمایز و تشخیص	۴/۴۹	۰/۷۹
۱۷	ایمنی و امنیت	۴/۴۷	۰/۷۷
۱۸	نیرومندی فضا	۴/۵۰	۰/۷۳
۱۹	نظافت و پاکیزگی	۴/۴۶	۰/۷۹
۲۰	ارزشهای معمارانه محیط	۴/۴۸	۰/۷۴
۲۱	محیط همگانی	۴/۵۰	۰/۷۷
۲۲	سهولت دسترسی	۴/۴۵	۰/۷۵
۲۳	اصالت و معنا	۴/۴۷	۰/۸۰
۲۴	مشارکت پذیری	۴/۴۶	۰/۷۶
۲۵	نقدپذیری در فضا	۴/۴۷	۰/۷۶
۲۶	خردورزی و عقلانیت	۴/۴۶	۰/۷۸
۲۷	انعطاف پذیری	۴/۴۶	۰/۷۷
۲۸	کنش ارتباطی و گفتگوپذیری	۴/۴۲	۰/۷۶
۲۹	عدالت فضایی و اجتماعی	۴/۴۶	۰/۷۶

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

نتیجه گیری و جمعبندی

خروجی تحلیل اکتشافی یک جدول مانند جدول فوق است که هدف پژوهش را به عنوان یک عامل کلی (در اینجا تدبیل مکان به عرصه‌های عمومی شهری است) و مقوله‌های آن را (در اینجا ۲۹ مقوله استخراجی حاصل از تکنیک تحلیل محتواست) به عنوان ریزعاملها یا عامل‌های ثانوی به صورت کلی به نمایش می‌گذارد و پیش‌بینی می‌کند که کل عوامل به صورت یک‌جا تا چند درصد قدرت تبیین یک موقعیت را دارند که در جدول فوق، میزان واریانس و تبیین متغیرهای تحقیق را به صورت یک عامل کلی و مجموع بارهای عاملی تحلیل اکتشافی را نشان می‌دهد. براساس نتایج به‌دست‌آمده عامل کلی (که در اینجا کل گویه‌های پرسشنامه به صورت یک عامل کلی درنظر گرفته شده است) ۳۵/۸۳ از کل را تبیین می کند و مجموع عوامل نیز ٦٦/۷۷ درصد از تاثیر مولفه‌های بالا در تغییر مکان به عرصه‌های عمومی شهری را تبیین می کنند. بدین معنی از نظر نمونه آماری مولفه‌های مطروحه در ابزار تحقیق به صورت کلی ٦٦/۷۷ درصد از تاثیر و اثربخشی مولفه‌های فوق در این زمینه قابلیت تبیین دارند.

منابع و کتاب‌شناسی

۱. ابراهیمی مینق، جعفر و امیری، محمد (۱۳۸٦) مکتب فرانکفورت و نظریه انتقادی (آراء و نظریه ها)، پژوهش نامه علوم اجتماعی. سال اول، شماره چهارم، زمستان ۸٦.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۲) گستره همگانی در نگرش انتقادی هابرماس، مجله گفتگو، شماره ۱.
۳. اخوت، آرش (۱۳۸۳) مردم واری بناهای عمومی، فصلنامه معماری ایران، دوره پنجم، شماره ۱۸.
٤. ادنانی، روح ا.... (۱۳۸۹) تالار شهرجدید اندیشه (شهریار)، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. دانشکده عمران و معماری. استاد راهنما: دکتر نوروزیان. استاد مشاور: مهندس سهیلی.
۵. اسدی، علی (۱۳۷۱)؛ افکار عمومی و ارتباطات؛ انتشارات سروش
٦. افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۷. افشار کهن، جواد و پیمان پاکمنش (۱۳۹۲) بررسی نظامواره مسائل معرفتی جامعه شناسی ایران در ارای پویر و هابرماس، نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۵۲.
۸. افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره٦ ، پاییز ۱۳۷۸.
۹. اکبری، غضنفر (۱۳۸۰) روابط اجتماعی و فضاهای عمومی شهر، ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان ۱۳۸۰.
۱۰. اووه فلیک (۱۳۹۲) «درآمدی بر تحقیق کیفی»، مترجم هادی جلیلی، چاپ ششم، تهران، انتشارات نشر نی
۱۱. ایمان، محمد تقی (۱۳۹۳). مبانی پاردایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی،انتشارات:پژوهشکده حوزه‌ودانشگاه
۱۲. ایروانی، محمود و خداپناهی، محمدکریم (۱۳۸۱) روان شناسی احساس و ادراک، تهران، سمت، چاپ یازدهم.
۱۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸٤) پاتوق و مدرنیته ایرانی، نشر لوح فکر.
۱٤. آشوری، داریوش (۱۳۸۸) تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، نشر آگاه.
۱۵. بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱٦. بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲٤، شماره ۲۱.
۱۷. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ٦.
۱۹. برن، آگ و نیم‌کوف (۱۳۸۰) زمینه جامعه شناسی، ترجمه: آریان پور، تهران، انتشارات نگاه.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۲۰. بشیریه، حسین (۱۳۸۷) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم جلد۱ اندیشه‌های مارکسیستی، تهران، نشر نی، چاپ هشتم.
۲۱. بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر: الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. بنت، اندی (۱۳۸٦) فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی، حسن چاوشیان نشر اختران – چاپ اول،تهران
۲۳. بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط‌های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۲٤. بهزادفر، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم‌مدار (آزادی مدار)؛ آرمانشهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۲۵. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸٦) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۲٦. پایا، علی (۱۳۷۷) معجزه گفتگو، مجله راه نو، سال اول. شماره ۵. ۱۳۷۷.
۲۷. پرایس وینسنت (۱۳۸۲)؛ افکار عمومی؛ ترجمه علی رستمی و الهام میرتهامی؛ انتشارات مطالعات راهبردی
۲۸. پرتوی، پروین (۱۳۸۲) مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، نشریه هنر های زیبا، ش ۱٤، تهران.
۲۹. پوپر، کارل (۱۳٦٤) جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
۳۰. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸٦) رویکرد اندیشه ای در تداوم معماری ایران، صفه، سال ۱٦، شماره ٤۵.
۳۱. پولادی، کمال (۱۳۸۸) تاریخ اندیشه سیاسی در غرب قرن بیستم، تهران: نشر مرکز.
۳۲. تانکیس (۱۳۸۸) فرم. فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری)؛ ترجمه پارسی، حمیدرضا و دیگران. انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹) تاثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تاکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.
۳٤. توسلی محمود و ناصر بنیادی (۱۳۸٦) طراحی فضای شهری- فضای شهری و جایگاه ان در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۵. توسلی، محمود و دیگران (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری، جلد اول. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳٦. توسلی، محمود (۱۳۷۱) اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۷. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
۳۸. جوان، جعفر و دیگران (۱۳۹۲) دیالکتیک فضا از منظر لوفور، نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۱۲.
۳۹. جونیو. و. ئوکی (۱۳٦۵)؛ تعریفی از افکار عمومی؛ از کتاب صدای مردم؛ ترجمه محمود عنایت؛ انتشارات کتاب‌سرا
٤۰. جووت کرت (۱۳۷٤)، ساختار تبلیغات سیاسی؛ ترجمه محبوبه ملک‌لو؛ فصلنامه رسانه؛ سال ششم شماره اول
٤۱. جهانبگلو، رامین (۱۳۸۵) نقد عقل مدرن. ترجمه سامعی، حسین. انتشارات فرزان روز.
٤۲. جیکوبز، جین (۱۳۸٦) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
٤۳. حبیب، فرح (۱۳۸۰) فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)، فصلنامه معماری و فرهنگ. سال هفتم، شماره ۲٤.
٤٤. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
٤۵. حبیبی، محسن (۱۳۷۸) فضای شهری، حیات واقعه ای و خاطره‌های جمعی، مجله صفه،

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

سال نهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
٤٦. حبیبی، محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره هفتم. تابستان ۱۳۷۹.
٤٧. حبیبی، مقصودی، محسن، ملیحه (۱۳۸٤) مرمت شهری: تعاریف، نظریه ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روشها و اقدامات شهری، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
٤٨. حسام، فرحناز (۱۳۸۰) حوزه عمومی و تجلی آن در کالبد شهر، ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان ۱۳۸۰.
٤٩. حسین و محمود شورچه (۱۳۹۲) شهر و نظریه انتقادی با تاکید بر آرا دیوید هاروی، انتشارات پرهام نقش.
۵۰. دفتر برنامه ریزی و خدمات آموزشی وزارت خارجه (۱۳۷۲) احزاب سیاسی مصر، تهران، وزارت امور خارجه.
۵۱. دلاور، علی. (۱۳۸٤). روش‌های تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی. تهران رشد.
۵۲. دیویس فیلیپ (۱۳٦۵)، صدای مردم؛ ترجمه محمود عنایت؛ انتشارات کتاب‌سرا
۵۳. دیویسون فیلیپس (۱۳۷۵)؛ مقدمه‌ای بر افکار عمومی؛ ترجمه نصرت فتی؛ نشریه افکار عمومی، شماره ۷ انتشارات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما
۵٤. ذکاوت، کامران و دهقان (۱۳۹۳) نظام عرصه عمومی: بعد رویه ای (جایگاه اسنادی)،برنامه اسکان بشر ملل متحد در ایران، پنجمین سمپوزیوم.
۵۵. ۵۵. راست بین، ساجد و دیگران (۱۳۹۱) رابطه همبستگی بین کیفیت محیطی و تداوم حیات شهری، باغ نظر، شماره ۲۱.
۵٦. رزاقی، افشین (۱۳۸۵) نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، تهران، آسیم، چاپ دوم.
۵۷. رضایی یزدی، محمد (۱۳۷٦)؛ مبانی نظری شناخت افکار عمومی؛ مرکز تحقیقات و توسعه صدای صدا و سیما
۵۸. ۵۸. رضوی، سید مصطفی، اکبری، مرتضی، جعفرزاده، مرتضی (۱۳۹۳). بازکاوی روش تحقیق آمیخته، انشارات: دانشگاه تهران
۵۹. رضوی‌زاده، سید نورالدین (۱۳۷۷)؛ وانمایی و سلطه در جریان بین‌المللی خبر؛ مجموعه مقالات دومین سمینار برای مسائل مطبوعات ایران؛ جلد ۲؛ انتشارات رسانه
٦۰. رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸٤) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
٦۱. رورتی، ریچارد (۱۳۸۳) فلسفه و دموکراسی، ترجمهپیام یزدانجو، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی ایران.
٦۲. ریترز، جورج (۱۳۸٦) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ چهاردهم.
٦۳. سالک رضا (۱۳۷۸)؛ نقش ارتباطات رسانه‌ای و میان‌فردی در شکل‌گیری افکار عمومی؛ نشریه افکار عمومی؛ شماره ۸ـ انتشارات صدا و سیما
64. John Parkinson," Holistic Democracy and Physical Public Space", University of York, London, 2006.
65. Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press
66. DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London
67. Punter،J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
68. Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 5659-
69. PETTER NÆSS* AND OLE B. JENSEN (2002 (Urban land use ,Mobility and Theory of science :exploring the potential for critical realism in empirical Reaserch "online accepted on (www.interscience .wiley .com) Alborg Denmark
70. Margit Mayer, Neil Brenner and Peter Marcuse November 62008) ,8-) "The Right to the City" :Prospects for Critical Urban Theory and Practice, Berlin,
71. Neil Brenner , David J. Madden & David Wachsmuth(2012) "Assemblage urbanism and the challenges of critical urban theory"ONLINE http://www.tandfonline.com
72. Brenner,Neil" (2009) "what is critical urban theory?",the journal of city vol .13 NO 2&3
73. Urban Task Force (1999)Towards an

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

Urban Renaissance. PP 5659-
74. Larice, Michel and Macdonald، Elizabet (2007) The Urban Design Reader. Routeldge. New York. PP348375-
75. Punter،J and Carmona، M(1997)The Design dimension of Planing/E & FN SPON
76. Laughlin, Fredric L and Andringa. Robert C. (2007) Good Governance for Nonprofits, Developing Principles and Policies for an Effective Boord, AMACOM; P. 70.
77. Sayan, Gencay (2003) changes, globalization and Newtasks of the government, Imge publication, Ankara, Turkey; P. 702.
78. Davies, Jonathan S. (2002) The Governance of urban Regeneration: ACritique of the Governing without Government, public Administrating, Vol, 80, No, 2.
79. Clark, D., (2003), Urban Word/Clobal City, Second edition, Routlije, p. 200.
80. Nurhadi, (2009) Urban Poverty and Local Capacity Building international Conference on social silences (ICSS) Volume, 3, 1011-September, izmilt, Turkey.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]